

بررسی استقرار دولت بیطرف در ایران با توجه به وجود حاکمیت اسلامی، قدرت نظامی و جغرافیای استراتژیک جهانی

امیرحسین زارعی محمودآبادی^۱

رضا جلالی*

علی اکبر امینی^۳

۱۰۷

چکیده

بررسی امکان پیدایش و شکل‌گیری دولت بیطرف در جمهوری اسلامی ایران و جهان سوم از موضوعات چالش برانگیز عرصه سیاست خارجه و روابط بین‌الملل به شمار می‌رود و همیشه این سؤال درباره جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده است که به وجود آمدن یک دولت بیطرف در فضای کنونی جامعه جهانی و به ویژه داخلی کشور آن‌هم با توجه به مولفه‌های اصلی یک دولت بیطرف در کشور قدرتمندی همچون جمهوری اسلامی ایران چگونه خواهد بود، ارزیابی این مسئله که استقرار این دولت‌ها چه اهدافی را در دنیا دنبال می‌کند و همچنین براساس سابقه تاریخی کشورمان در اعلام بیطرفی درمی‌یابیم که استقرار دولت بیطرف در جمهوری اسلامی ایران با اهداف انقلاب اسلامی در تضاد است زیرا دولت‌های بیطرف دولتی هستند که از موقعیت حساس و استراتژیک برخوردار نیستند و همگی از ضعف‌هایی عمیق در ابعاد مختلف برخوردارند و از سهم‌خواهی در مناقشات بین‌المللی و سیاست خارجه در برابر مصونیت نسبی چشم‌پوشی می‌کنند هرچند در جهان سوم اغلب دولت‌ها ضعیف هستند اما ایران به دلیل خودکفایی در عرصه نظامی، جغرافیایی سیاسی ویژه و رابطه حاکمیت با دولت نمی‌تواند اعلام بیطرفی کند چراکه اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی برخاسته از انقلاب اسلامی در تضاد آشکار با دولت بیطرف است از سویی دیگر جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک ابرقدرت منطقه‌ای و قدرت اقتصادی و نظامی مطرح است از این رو شکل‌گیری دولت بیطرف در جمهوری اسلامی ایران غیرممکن می‌نماید.

واژگان کلیدی: حاکمیت اسلامی، دولت بیطرف، قدرت نظامی، تنگه هرمز، جغرافیای استراتژیک

۱. عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

۲ و ۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* dr_jalali@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۷

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و دوم، صص ۱۰۷-۱۳۲

مقدمه

از دولت می‌توان به عنوان بزرگ‌ترین سازمان درونی اداره هرکشور نام برد چراکه تمام نهادهای اجرایی در درون دولت شکل می‌گیرند و دولت وظیفه و رسالت سازماندهی دستگاه‌های اجرایی را برای اداره کشور برعهده دارد از این رو می‌توان گفت دولت رکن اساسی نظام سیاسی هرکشوری محسوب می‌شود و بالطبع جامعه سیاسی را نیز از خود متأثر می‌کند این در حالی است که سرآغاز شکل‌گیری دولت‌ها از پیچیده‌گی بسیار بالایی برخوردار است اما در نهایت پس از فراز و نشیب‌های فراوان و پشت سر گذاشتن تجربیات گوناگون هم اکنون شاهد شکل‌گیری دولت‌های مختلف هستیم (وینسنت، ۱۳۹۲: ۵۹).

آنچه مسلم است عدم تصور زندگی جمعی بدون دولت که به نوعی سبب ناامنی و هرج و مرج در جامعه انسانی است باعث شد که مسیر شکل‌گیری دولت‌ها هموار و متناسب با نیازها شکل بگیرد و در حال حاضر نیز شاهد ماهیت رو به رشد و توسعه‌ای دولت‌ها هستیم که براساس تغییر شکل و تغییر روند نیازهای بشری آن‌ها نیز رشد و گسترش پیدا کردند چراکه وظیفه دولت‌ها تنها سازمان‌دهی و شکل‌دهی به نهادهای اجرایی و دستگاه‌های اداری در یک کشور نیست بلکه مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و عقایدی است که سبب به وجود آمدن آن‌ها و رشد و توسعه دولت‌ها شده است (خسروی، ۱۳۹۷: ۴۸).

در این بین یکی از پدیده‌های سیاسی و مهم عصر جدید و شاید قرن بیست که ناشی از تنش‌های جهانی است به وجود آمدن دولت‌های بیطرف در عرصه داخلی و خارجی است این در حالی است که شاید دولت بیطرف را آشکارا حاصل جنگ‌های خانمان سوز دانست که در قرن بیستم گریبان بشر خودخواه و خودشیفته را به سختی فشرده و سبب شد برخی از کشورها برای مصون ماندن از آسیب‌ها و تبعات ناشی از این جنگ‌های بین‌المللی از روی نیاز به فکر بهره‌گیری از دولت بیطرف در سیاست خارجه و روابط بین‌الملل خود شدند.

۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های انجام شده

در زمینه دولت بیطرف تحقیقات زیادی صورت نگرفته است اما یکی از برجسته‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته ایران و سابقه تاریخی دولت بیطرف پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد جمال اسماعیل‌زاده است که با عنوان وضعیت حقوقی دولت بیطرف و دولت غیرمتخاصم در منازعات بین‌المللی با تاکید بر جنگ ایران و عراق به رشته تحریر در آمده است و پژوهشگر در این رساله به نقش دیگر دولت‌های بیطرف در مواجهه با جنگ ایران و عراق می‌پردازد و به نوعی بیطرفی دولت‌های متخاصم در مواجهه با جنگ ایران و عراق را از نظر حقوق بین‌المللی ممکن اما از نظر عملی رد می‌نماید و تشریح می‌کند بسیاری از دولت‌ها علیرغم اعلام بیطرفی اقدام به همکاری و کمک به دولت عراق نموده‌اند.

همچنین فرزانه برناه و محسن خلیلی در مقاله‌ای با عنوان برابر سنجی دلایل نقض بیطرفی ایران در جنگ‌های جهانی اول و دوم به تشریح ساختار و عمل‌کرد نظام بین‌الملل و استراتژی‌های تأمین منافع ملی در شکل‌گیری دولت بیطرف می‌پردازند پژوهشگران در این مقاله به بیطرفی ایران در جنگ‌های جهانی را بررسی می‌کنند و با توجه به این مسئله که ایران از بازیگرانی بوده است که علیرغم اعلام بیطرفی در هر دو جنگ جهانی بیطرفی‌اش نادیده انگاشته شده است، نتیجه می‌گیرند که به دلیل وضعیت خاص سیاسی، نظامی، استراتژیک و ژئوپلتیکی که ایران دارد نه تنها امکان بیطرفی را ندارد بلکه نمی‌توان اعلام بیطرفی‌اش را هم به رسمیت شناخت.

جلیل قصابی گزکوه و محمدرضا بهشتی نیز در مقاله‌ای با عنوان اوضاع داخلی ایران در جنگ جهانی اول: از بیطرفی تا تشکیل دولت موقت ملی به اعلام بیطرفی ایران در جنگ جهانی اول پرداخته‌اند و نتیجه گرفتند که دلیل خواست عمومی مردم که خواهان همراهی با متحدین بودند و از همه مهم‌تر موقعیت ژئوپلتیک ایران سبب شد که هم از جانب کشورهای مهاجم بیطرفی ایران به رسمیت شناخته نشود و هم اعلام بیطرفی سبب شد مردم اقدام به مهاجرت به شهرهایی چون قم و تهران بکنند.

۱۰۹

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

بررسی استقرار
دولت بیطرف در
ایران با توجه به
وجود حاکمیت
اسلامی، قدرت
نظامی و
جغرافیای
استراتژیک
جهانی

ایران و سابقه تاریخی دولت بیطرف

هنگامی که در اوت ۱۹۱۴ میلادی جنگ جهانی اول شروع شد، ایران وضع استثنایی داشت پیش از آن که ایران بیطرفی خود را رسماً اعلام کند قوای روسیه به بهانه‌های مختلف به خاک ایران تجاوز کردند؛ به عبارت دیگر حدود پنج سال قبل از شروع جنگ جهانی، روسیه تزاری در جهت اجرای مقاصد شوم ناشی از قرارداد ۱۹۰۷ قوای خود را در آذربایجان مستقر ساخته بود و دولت همسایه دیگر ایران، یعنی عثمانی، هم به دلیل بحران داخلی ایران و احساس ضعف حاکمیت چشم طمع به آذربایجان داشت و با این که یک کمیسیون مختلط مرزی تشکیل شد، و مرزهای دو کشور را تحدید و تعیین نمود، عثمانی حضور قوای روسیه در آذربایجان را تهدیدی برای خود تلقی کرد و به جای متحد شدن با ایران، تمایلات جاه‌طلبانه و برتری جویانه خود را دنبال نمود ضعف حکومت مرکزی ایران این فرصت را به روسیه و عثمانی داده بود که قوای خود را در حدود آذربایجان متمرکز سازند و همین صف آرای روسیه و عثمانی در مرزهای ایران مانعی در برابر بیطرفی ایران در جنگ جهانی اول به شمار می‌رفت. (چامسکی، ۱۳۹۷: ۳۹۶).

این در حالی بود که علیرغم خواسته ایران برای آن که خود را کشوری بیطرف معرفی کند عملاً ناکام ماند هرچند به‌طور رسمی ایران بارها بیطرفی خود را اعلام کرد اما هیچ‌کدام از کشورها و دولت‌های طرف مخاصمه در جریان جنگ جهانی توجیهی نکردند و کشورهای آلمان، انگلستان، عثمانی و شوری به‌طور رسمی و مشهود به خاک ایران به بهانه‌های مختلف تجاوز کردند که این خود یک تجربه تلخ تاریخی از بیطرفی ایران در جریان جنگ جهانی است که هم به رسمیت شناخته نشد و هم تبعات بسیار زیان باری را برای ایران به همراه داشت.

بی‌تردید در مورد کشورهای چینی چون ایران که در نقطه بسیار مهم استراتژیک و جغرافیای حساس جهان واقع شده است اعلام بیطرفی مستلزم داشتن قدرت بالا و احاطه کامل سیاسی بر منطقه است و در اینجاست که باید نوع و دسته پنجمی از دولت بیطرف را با محوریت ایران تعیین و تبیین کنیم کشوری که به واسطه قدرت بالای خود در زمینه‌های مختلف و جایگاه بسیار مهم و حساسش می‌تواند در مواقعی مشخص و در

مواضعی معین اعلام بیطرفی نماید مواضعی که دیگر کشورهای رقیب چاره‌ای جز پذیرش آن ندارند و اینگونه دیگر شاهد حوادثی که در جنگ جهانی اول به واسطه ضعف آشکار دولت مرکزی در ایران روی داد به هیچ عنوان نخواهیم بود.

داستان اعلام بیطرفی ایران و اشغال آن از شمال و جنوب، در جنگ جهانی دوم به وسیله همان کشورهای متجاوز شوروی و بریتانیا تجدید شد ارزش ارتباطی ایران برای سرنوشت جنگ تا به آنجا بود که از آن به عنوان «پل پیروزی» یاد می‌کردند صدمات ایران از جنگ جهانی دوم بیش از جنگ جهانی اول بود.

گرچه یک روز پس از آغاز جنگ جهانی دوم، ایران طی اعلامیه‌ای بیطرفی خود را در این نبرد اعلام کرد و به اتباع خارجی نیز اخطار داد از هرگونه بروز احساسات منافی با بیطرفی ایران بپرهیزند اما این امر نیز نتوانست مانع از سرایت آتش جنگ به خاک ایران شود و در ۳ شهریور ۱۳۲۰، نیروهای متفقین شامل انگلیس و شوروی بدون توجه به بیطرفی ایران از جنوب و غرب و از زمین و هوا به ایران حمله کردند و شهرهای سر راه را اشغال کردند و به سمت تهران آمدند (زارعی، ۱۳۹۷: ۱۸).

در آن زمان بهانه متفقین برای حمله وجود عده‌ای جاسوس آلمانی در ایران عنوان شد اما حوادث بعدی نشان داد اشغال ایران بخشی از نقشه جنگی متفقین علیه هیتلر^۱ بوده است چرچیل بعدها در این باره در خاطرات خود نوشته است: «لزوم ارسال انواع و اقسام ساز و برگ و مهمات برای شوروی از یک طرف و اشکالات روز افزون راه اقیانوس منجمد شمالی و نقشه‌های استراتژیکی متفقین در آینده از طرف دیگر بیش از پیش ما را بر آن می‌داشت که برای استفاده کامل از ایران به منظور ارتباط با شوروی اقدام فوری معمول داریم چاه‌های نفت ایران به منزله عامل مهمی در جنگ به شمار می‌رفت عده کثیری از آلمانی‌ها در تهران استقرار یافته و جبهه آلمان در ایران روز به روز بهتر می‌شد نقشه شورش در عراق و اشغال سوریه از طرف انگلیس و فرانسه که در فاصله کمی صورت گرفت، نقشه‌های هیتلر را در خاورمیانه مواجه با اشکالات بسیار

1. Hitler
2. Churchill

نمود بنابراین ما از موقعیت استفاده کرده و بر آن شدیم که به روس‌ها دست اتحاد بدهیم و به اتفاق مبادرت به لشکر کشی به ایران کنیم.»

با یورش متفقین تمامی راه‌های کشور به خصوص خطوط راه آهن و شوسه به کنترل نیروهای اشغال‌گر در آمد و نیروی کار ایرانی برای تهیه تدارکات ارتش‌های درگیر در جنگ با نازل‌ترین دستمزد به کار گرفته شدند منابع نفتی کشور غارت شد و بحران غذایی در کشور به اوج خود رسید تا جایی که به گواه تاریخ چند میلیون ایرانی از گرسنگی و قحطی زدگی تسلیم فرشته مرگ شدند (قامت، ۱۳۹۴: ۲۳).

با یک نگاه ساده و گذرا در می‌یابیم که کشور ایران از نظر تاریخی تجربه اعلام بیطرفی در عرصه سیاست خارجه و روابط بین‌الملل را داشته است و ضربات جبران ناپذیری هم از این اعلام بیطرفی بی‌سرانجام تحمل کرده است شاید از بین بردن حاکمیت کشور در جنگ جهانی دوم و حتی چند پاره شدن کشور در برهه‌های مختلف تاریخی اقدامات بسیار کوچک ناشی از بیطرفی ایران در جریان جنگ‌های جهانی بوده باشد.

۲. مبانی و چارچوب نظری

مفهوم دولت بیطرف

دولت بیطرف از جمله واژه‌هایی است که بعد از جنگ‌های جهانی و به ویژه جنگ جهانی دوم وارد ادبیات سیاسی در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجه کشورها شد بی‌تردید همه محققان و پژوهش‌گران علوم سیاسی با شرایط و دلایل بیطرفی دولت‌ها آشنا هستند پس از جنگ جهانی دوم و با توجه به آتش افروزی‌هایی که در بخش‌های وسیعی از کشورهای اروپایی اتفاق افتاد بحث دولت‌های بیطرف به صورت جدی مطرح شد بدین ترتیب که در حال حاضر بیطرفی این دولت‌ها از سوی سازمان ملل متحد نیز به رسمیت شناخته شده است (افضلی، ۱۳۹۶: ۹۸).

دولت‌های بیطرف دولت‌هایی هستند که بنا به مقتضیات و شرایط سیاسی، اقتصادی، جغرافیای سیاسی و توان و قدرت منطقه‌ای که داشتند اعلام بیطرفی کردند بدین معنا که در همه مناقشات و درگیری‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و دیگر معضلات جهانی نقش

خشتی ایفا می‌کنند و چنانچه دولت‌های همسایه آن‌ها درگیر جنگ نظامی شوند در هیچ سطحی به هیچکدام از طرفین درگیر جنگ کمک نمی‌کنند، البته دولت‌های بیطرف می‌توانند سطوح بیطرفی خود را براساس معیارهای سیاست‌های درونی خود تعریف و به جامعه جهانی اعلام کنند و اعلام بیطرفی تنها منحصر به جنگ نباشد چراکه بالاترین سطح اعلام بیطرفی یک دولت را می‌توان عدم مداخله در جنگ‌های نظامی دانست و پایین‌ترین سطح بیطرفی دولت را هم می‌شود در عدم مداخله در سیاست‌های بین‌المللی میان دیگر کشورها برشمرد.

۱۱۳

هرچند این مفهوم کلی دولت بیطرف است که از سوی سازمان ملل متحد نیز به رسمیت شناخته شده است اما تاکنون تنها دو دولت در کشورهای سویس و اتریش اعلام کرده‌اند که کاملاً بیطرف هستند و اگر کشورهای مختلف و حتی کشورهایی که عضو اتحاد بین‌المللی ناتو هستند و در همسایگی آن‌ها قرار دارند درگیر جنگ و نبردهایی در هر سطح و اندازه شوند هیچ‌گونه مداخله‌ای نخواهند داشت و کاملاً برخورد بیطرفانه را در خصوص درگیری‌های نظامی، دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی و دیگر عرصه‌ها اتخاذ کرده‌اند هرچند در اغلب موارد حقوق دولت‌های بیطرف از سوی کشورهای متخاصم درگیر این جنگ‌ها نقض می‌شود اما اعلام بیطرفی و به رسمیت شناختن از سوی سازمان ملل کافی است که در بسیاری از مناقشات این دولت‌ها و بالطبع کشورهاشان نقش بی‌اثر داشته باشند البته نباید نادیده گرفت که در بسیاری از موارد نیز دولت‌های بیطرف اقدام به کمک و حمایت از برخی از کشورهای درگیر جنگ می‌کنند اما در مجموع و در اصل بنا به سیاست خارجه کشور و اذعان دولت در سازمان ملل به عنوان یک دولت بیطرف شناخته می‌شوند (میگدل، ۱۳۹۶: ۲۹۰).

یکی از مهم‌ترین محورهای بیطرفی این دولت‌ها عدم شرکت در هرگونه جنگ باشد دولت‌های بیطرف در هنگام جنگ ما بین دیگر کشورها نباید در هیچ شرایطی مناسبات فراهم کردن و فراهم شدن اسلحه و مهمات را برای نیروهای نظامی یکی از طرفین جنگ و درگیری را فراهم کنند (بروک، ۱۳۹۶: ۲۱۱).



همچنین این دولت‌ها براساس پروتکل‌های بین‌المللی و رعایت اصل بیطرفی منشور ملل متحد در روابط تجاری و اقتصادی خود با دولت‌های درگیر جنگ باید اصل مساوات و برابری را حفظ کنند از دیگر محورهایی که این کشورها در هنگام جنگ موظف به رعایت آن هستند دخالت نکردن در حواشی جنگ‌ها است بدین ترتیب که این دولت‌ها اجازه ندارند به طور غیر مستقیم هم نظیر دادن اطلاعات ماهواره‌ای و نظامی به هریک از طرفین در جنگ دخالت داشته باشند.

از سویی دیگر دولت‌های بیطرف باید در هنگام جنگ نسبت به همسایگان و کشورهای درگیر جنگ حسن نیت داشته باشند و براثت خود را در ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی به سازمان ملل متحد و طرف‌های جنگ نشان دهند بر این اساس چنانچه یکی از کشورهای متخاصم و درگیر جنگ در خواست بازرسی از شناورهای دولت بیطرف را در آب‌های بین‌المللی یا آب‌های سرزمینی خود کرد باید از این درخواست به نشانه بیطرفی و حسن نیت تبعیت کند. (گرامشی، ۱۳۹۶، ۱۴۷).

۳. بحث اصلی و تحلیل یافته‌ها

۳-۱. خاستگاه و انواع دولت بیطرف

داشتن دولت بیطرف برای اداره هر کشوری براساس شاخص‌هایی شکل می‌گیرد که آن دولت براساس آن دریافته است که بیطرفی بهترین حالت برای روابط بین‌الملل در عرصه سیاست خارجه کشورش است و اگر بخواهیم یک تحلیل درست پیرامون این مسئله داشته باشیم واضح است که معمولاً دولت‌های بیطرف را می‌توان در چهار دسته کلی یا به عبارتی در چهار سطح جای داد دسته اول دولت‌هایی هستند که با در نظر گرفتن شاخص‌های مختلف می‌توان از آن‌ها به عنوان دولت‌های ضعیف یاد کرد دولت‌هایی که از توان کافی برای حضور مفید و مؤثر در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجه برخوردار نیستند و حتی از حضور در جنگ‌های دیپلماتیک و نظایر آن پرهیز می‌کنند.

چراکه با حضور در این‌گونه عرصه‌ها و میادین به دلیل ناتوانی که این دولت‌ها در ابعاد مختلف متضرر خواهند شد هرچند بیطرفی در برخی از جنگ‌ها و روابط بین‌الملل

به منزله مصونیت تمام و کمال نیست چه بسا تجربه ثابت کرده است بسیاری از کشورهای بیطرفی که اعلام بیطرفی کرده‌اند اغلب موارد مورد تعرض طرفین متخاصم قرار گرفتند اما در مجموع جنگ‌های نظامی و درگیری‌های سیاسی در عرصه دیپلماتیک کمتر دامن‌گیر آن‌ها می‌شود و به قول ایرانی‌ها سری را که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند از این رو این دولت‌ها تلاش می‌کنند که ضعف و فاصله خود را با دیگر دولت‌های قدرتمند و مؤثر از این راه کمتر یا تا حدی جبران کنند (لوتار، ۱۳۹۶: ۱۸۳).

دسته دوم از دولت‌های بیطرف آن دولت‌هایی هستند که به علت ضعف ساختاری که در خود دارند از یک سو، و قرار گرفتن در مناطق مهم و حساس جغرافیایی از سوی دیگر و عضویت در پروتکل‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اعلام بیطرفی می‌کنند چراکه تمام تلاش آن‌ها بر این است که با داشتن موضع بیطرف هزینه‌های اداره کشور در عرصه داخلی و سیاست خارجی به ویژه در حالت فوق‌العاده یعنی جنگ به کمترین میزان ممکن برسانند اما به علت قرارگرفتن در نقطه بسیار مهم و حساس جهانی سعی می‌کنند با عضویت مؤثر و فعال در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی این ضعف و عقب ماندگی را جبران کنند و در اصل با وابسته شدن به یک قدرت منطقه‌ای یا فرا منطقه‌ای در سهم خواهی‌های سیاست خارجه و روابط بین‌المللی مشارکت می‌کنند (لوتار، ۱۳۹۶، ۱۹۴).

دسته دیگر دولت‌های هستند که براساس معاهده‌های بین‌المللی، پروتکل‌های سازمان‌ممل و قوانین جهانی اعلام می‌کنند در پاره‌ای از موارد خاص بیطرف هستند به این معنا که در برخی موارد که از نظر سیاسی و اقتصادی و در مجموع در عرصه سیاست خارجه کشورشان و روابط بین‌الملل امکان ایجاد سطحی از مخاطره یا حتی هشدار وجود دارد که برای مصون ماندن از این مخاطرات اعلام بیطرفی می‌کنند اما در سایر عرصه‌های بین‌المللی که هیچ‌گونه تهدیدی برای کشورشان محسوب نمی‌شود یا منافع کشورشان را افزایش می‌دهد اقدام به سهم‌خواهی می‌کنند به گونه‌ای که بیطرفی آن‌ها فقط شامل موارد مشخص و خاص می‌شود نظیر اتحادیه اروپا که در چارچوب این اتحادیه در صورت روی دادن هرگونه مناقشه و درگیری اعضای این اتحادیه کاملاً

برخورد بیطرفانه خواهند داشت اما درخصوص موارد دیگر نظیر واحد پولی یورو^۱ این‌گونه نیست چراکه هریک از این دولت‌ها به دنبال افزایش توانمندی مالی و اقتصادی افزایش سهم تولید ناخالص ملی در قاره سبز هستند. (لوتار، ۱۳۹۶، ۲۰۹)

دسته آخر از دولت‌های بیطرف دولتهایی هستند که به صورت مقطعی در تمام زمینه‌های بین‌المللی و مناقشات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای اعلام بیطرفی می‌کنند چراکه برخی دولت‌ها به دلایل مختلف نظیر نوسازی سیاسی که از درون با آن دست به گریبان هستند و حضور پررنگ و جدی در عرصه درگیری‌ها و مناقشات روابط بین‌الملل، امکان دارد برنوسازی سیاسی که در داخل کشور انجام می‌شود اثر منفی بگذارد از این رو برای آن که بتوانند بدون ملاحظات خارجی و تأثر از روابط بین‌الملل و سیاست خارجه ساختارهای درونی کشورشان را اصلاح و نوسازی کنند و به همین دلیل به صورت مقطعی از نظر زمانی یا براساس برنامه کاری بین‌المللی اعلام بیطرفی می‌کنند (لوتار، ۱۳۹۶: ۲۲۱).

آنچه مسلم است همه دولتهایی که به صورت‌های یاد شده اعلام بیطرفی کرده‌اند همگی دارای یک وجه مشترک هستند و به ضرس قاطع می‌توان گفت این وجه مشترک چیزی نیست جز ضعف آشکار در زمینه‌هایی که آن‌ها اعلام بیطرفی کردند و اگر دقت شود در می‌بایم کشورهایی که در همه ابعاد یاد شده اعلام بیطرفی نمودند و به کلی خود را از همه مناقشات سیاسی و نظایر آن محروم ساختند کشورهایی هستند که هیچ‌کدام دارای عمق استراتژیک نبوده و نیستند و به همین دلیل است که این دولت‌ها برای مصون ماندن از بسیاری از آسیب‌های احتمالی به‌طور کامل اعلام بیطرفی کرده‌اند، موقعیت که در مورد ایران لاقلاً به دلیل داشتن عمق استراتژیک بالا در سطح یک امکان پذیر نیست.

۲-۳. دولت بیطرف و حاکمیت

در حال حاضر کشورهایی که به صورت رسمی بیطرفی خود را اعلام کردند یعنی دو کشور اتریش و سوئیس، کشورهایی هستند که تفاوت چندانی بین حاکمیت و دولت

1. Euro

آن‌ها وجود ندارد و این دو با یکدیگر همگن و عجین هستند و دولت علاوه بر اینکه وظیفه اداره کشور و رسیدگی به امور اجرایی را برعهده دارد تاحدی در درون حاکمیت ادغام شده است به نحوی که جدا کردن این دو مفهوم چه در عمل و چه به صورت نظری به سادگی امکان‌پذیر نیست.

از سویی دیگر در بسیاری از کشورها دولت و حاکمیت در هم ادغام نمی‌شوند و می‌توان به راحتی آن‌ها را از یکدیگر جدا دانست و اشراف کامل حاکمیت بر دولت آن‌قدر بالاست که به راحتی می‌تواند دولت سرکار را ساقط کند و دولت موقت یا دولت دیگری را جایگزین آن کند و بسیار مشهود است این شرایط بیشتر در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه حاکم است و این ارتباط سیاسی در کشورهایی هم که دارای حکومت تئوکراسی هستند و براساس ایدئولوژی تخصصی اداره می‌شوند به مراتب عمیق‌تر و بیشتر به چشم می‌خورند.

از این رو تمام جریان‌های سیاسی، گروه‌های نفوذ، گروه‌های فشار و کانون‌های قدرت در این کشورها بسیار قوی‌تر و فعال‌تر هستند و در تمام عرصه‌های کشور به‌ویژه فعالیت‌ها و تصمیمات دولت به صورت مستقیم دخالت می‌کنند و به همین دلیل انجام کارهای ساده اجرایی در این کشورها بسیار پیچیده می‌شود و بدون شک اعلام یک دولت بیطرف در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجه نیز بسیار سخت و پیچیده می‌نماید (بالوی، ۱۳۹۶: ۷۱).

۳-۳. دولت بیطرف در جهان سوم

اولین لازمه بیطرفی دائم و کامل در تمام زمینه‌ها در عرصه سیاست خارجه و روابط بین‌الملل ضعف دولت‌هاست که دولت‌های جهان سوم اغلب با ضعف‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف روبرو هستند که سبب وابستگی آن‌ها به کشورهای ابرقدرت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای می‌شود از این رو می‌توان گفت اغلب کشورهای جهان سوم اولین لازمه بیطرفی در عرصه جهانی را دارند البته نباید فراموش کنیم که این ضعف و فقر تنها در

عرصه بین‌المللی نیست بلکه در زمینه سیاست داخلی نیز مطرح است و همین عامل شکل‌گیری دولت بیطرف در این کشورها را بسیار کاهش می‌دهد.

از دیگر محورهایی که در اعلام بیطرفی در بین کشورهای جهان سوم از اهمیت بالایی برخوردار است نبود یک حاکمیت و دولت ایدئولوژیک در کشور است چراکه با صراحت می‌توان گفت همه حکومت‌های ایدئولوژیک به علت مبانی فکری و عقیدتی که مجموعه حاکمیتی براساس آن شکل گرفته است مانع بزرگی برای بیطرفی آن‌ها در بسیاری از مناقشات و درگیری‌های بین‌المللی می‌شود چه بسا که بی تفاوتی یا بیطرفی در برابر برخی مسائل به صورت بنیادی با مبانی حاکمیتی، ارزش‌ها و معیارهای این دولت‌ها در تضاد است از این رو تقریباً با کشورهای جهان سومی که دارای یک حکومت ایدئولوژیک هستند امکان و شرایط برقراری دولت بیطرف را به صورت کلی و در همه سطوح استراتژیک و به‌ویژه سطح یک ندارند.

با این حال کشورهای جهان سوم که فاقد حکومت ایدئولوژیک هستند شرایط بهتری برای تبدیل شدن به یک دولت بیطرف در عرصه جهانی را دارند چراکه ارزش‌های بنیادی اداره کشور با سیاست خارجه و روابط بین‌المللی در تضاد نیست یا از تضاد کمتری برخوردار است و از آن‌جا که بیطرفی سبب مصونیت این کشورها می‌شود رفتن به سمت تشکیل و بالطبع اعلام یک دولت بیطرف از سوی این کشورها منافع بیشتری برای آن‌ها به دنبال دارد و اغلب می‌توانند با این سیاست تا حدی به ابرقدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نزدیک‌تر شوند و حمایت آن‌ها را در بسیاری از زمینه‌ها جلب کنند هرچند این دولت‌ها یا باید گذشته تاریخی، قومی و قابل پذیرشی برای ابرقدرت‌های جهانی داشته باشند، یا باید تن به اعتماد سازی بدهند که بسیار تحقیرآمیز است که سبب انصراف و غیرقابل پذیرش بودن شرایط آن از سوی برخی از این کشورها می‌شود (روشندل، ۱۳۹۴: ۶۴).

۴-۳. اقتصاد ایران و دولت بیطرف

شاید مهم‌ترین عامل یا بزرگ‌ترین مانع بر سر راه شکل‌گیری یک دولت بیطرف در ایران قرار داشتن کشور در مهم‌ترین نقطه و منطقه از خاور میانه و حتی کره خاکی است ایران

کشوری است که در قلب خاورمیانه واقع شده است و از موقعیت بسیار مهم و حساس جهانی برخوردار است از این رو بیطرفی برای این کشور نه تنها عاقلانه نیست بلکه یک بازی دو سر باخت به شمار می‌رود چراکه ایران باید براساس شرایط و موقعیت منطقه‌ای و جغرافیای سیاسی بسیار مهم خود تلاش کند تا حداکثر استفاده در زمینه سیاست خارجه و روابط بین‌المللی در سطوح مختلف داشته باشد و کشور پهناوری که ۱۴ همسایه آبی و خاکی دارد و به صورت مستقیم به آب‌های آزاد راه دارد بی‌تردید از موقعیت بسیار مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برخوردار است.

۱۱۹

بنابراین سیاست خارجه و روابط بین‌الملل ایران براساس موقعیت و تأمین منافع داخلی و خارجی مشخص می‌شود و نباید فراموش کنیم این بخش از توانمندی ایران تنها به جغرافیای حساس سیاسی این کشور مربوط می‌شود چراکه هم اکنون نزدیک به ۴۰ درصد از انرژی دنیا از تنگه هرمز مابین دریای عمان و خلیج فارس عبور می‌کند آن‌هم از آب‌های سرزمینی ایران که قابلیت کشتیرانی دارد هرچند در سال‌های اخیر کشورهای غربی و عربی تلاش کردند با کشیدن خط لوله به طول ۷۴۵ مایل موسوم به خط لوله انتقال شرق از میدان نفتی اَبیقیق در عربستان سعودی تا دریای سرخ تا حدی این وابستگی را کاهش دهند اما آنچه مسلم است این خط لوله از امکان مانور و حفاظت بسیار کمتری در مقایسه با نفت‌کش‌های چند هزار تنی برخوردار است و این خط لوله که همچنان در دست ساخت است تنها ظرفیت انتقال ۵ میلیون بشکه نفت در روز را دارد در حالی که از تنگه هرمز و آب‌های سرزمینی ایران روزانه افزون بر ۲۰ میلیون بشکه نفت عبور می‌کند (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۹۱).

خط لوله عراق - ترکیه به بندر جیحان که تا در دریای مدیترانه امتداد دارد هم مدتی است که به علت جنگ و برخی اختلافات بین این دو کشور غیر فعال است و بخش‌های وسیعی از آن نیز تخریب شده است هرچند می‌توان این خط لوله را بسیار مهم و استراتژیک دانست چون شمال و جنوب عراق را به یکدیگر متصل می‌کند اما مدت



طولانی است که مستهلک شده است و علاوه بر معایب دیگر خط لوله‌های انتقال نفت خام ظرفیت کمتر از یک میلیون بشکه در روز را داراست (زارعی، ۱۳۹۶: ۹).

خط لوله امارات متحده عربی نیز از دیگر راه کارهای غربی، عربی برای حل این مشکل احتمالی به منظور مهار ایران است البته این خط لوله تنها ظرفیت انتقال آن معادل ۱/۵ میلیون بشکه نفت خام در روز است جالب اینجاست که این خط لوله در نهایت و با مصائب فراوان به بند خجیره در جنوب تنگه هرمز ختم می‌شود و در نهایت خط لوله غیرفعال لبنان به نام تاپ لاین است آن هم با ظرفیت ۵۰۰ هزار بشکه در روز که در عمل ناکارآمد محسوب می‌شود.

در مجموع در می‌یابیم که این خطوط انتقال انرژی یا همان نفت خام به دنیا ناکار آمد و نا کافی هستند و از آسیب‌پذیری بسیار بالایی در مقایسه با عبور از مرزهای آبی ایران برخوردار هستند پس واضح است چنین کشوری به راحتی می‌تواند تنها با قدرت جغرافیای سیاسی خود زردپی آشیل جهانی یعنی سوخت و انرژی دنیا را در دست بگیرد هرچند ممکن است برخی کشورهای منطقه نظیر عربستان و امارات متحده عربی به صورت مقطعی درصدد مقابله بر بیایند اما در کوتاه مدت دچار مشکلات شدید مالی و کسری بودجه و بالطبع مجبور به عقب نشینی خواهد بود بنابراین نمی‌توان انتظار داشت چنین کشوری بخواهد با داشتن چنین قدرت و توانمندی که تنها ناشی از جغرافیای سیاسی دارد در عرصه سیاست خارجه و روابط بین‌الملل اعلام بیطرفی کند حتی به صورت مقطعی یا در زمینه خاص.

از سویی دیگر ظرفیت اقتصادی بسیار قدرتمند و توانمندی که در کشوری چون ایران وجود دارد باز هم یک اثر مستقیم و آشکارا بر روی شکل‌گیری یک دولت بیطرف در ایران می‌گذارد چراکه کاملاً مشهود است که ایران دومین قدرت بالقوه تولید کننده نفت خام در سازمان جهانی اپک^۱ و چهارمین تولید کننده بزرگ نفت خام در جهان است همچنین ایران دومین تولید کننده گاز طبیعی در جهان است و صادرات بیش از چهار میلیون بشکه نفت خام در روز بخشی از توان و قدرت اقتصادی ایران در حوزه

1. Topline
 2. OPAC

نفت و گاز است و با توجه به منابع دیگری که در ایران وجود دارد نظیر معادن سنگ‌های قیمتی و گران‌بها چون الماس، فیروزه، یاقوت، عقیق، زمرد و... و فلزات ارزشمند شامل طلا، روی، نقره، مس، کروم، کبالت، آهن، اورانیوم، پلاتین و نظایر این‌ها بدون شک ایران دارای یکی از قوی‌ترین اقتصادهای دنیاست از این رو از نظر اقتصادی هم داشتن یک دولت بیطرف در ایران دور از ذهن است.

۳-۵. دولت بیطرف در ایران و توان نظامی

کشور ایران هم در سال‌های اخیر با تکیه بر عوامل بازدارنده از توان نظامی بسیار بالایی برخوردار است و شاید از محدود کشورهای جهان باشد که یک جنگ فرسایشی و طولانی مدت نزدیک به ۱۰ سال را پشت سر گذاشته است آن هم جنگی که تقریباً می‌توان گفت تمام ابرقدرت‌های جهانی به طور غیرمستقیم در آن شرکت داشتند از این رو می‌توان گفت همین تجربه جنگ باعث شده است ایران به دنبال افزایش توان نظامی و بالطبع بازدارندگی خود باشد توانی که به صورت دقیق برای شرایط ایران ساخته و سازماندهی شده است.

برای درک بهتر از شرایط نظامی ایران کافی است نگاه کوچکی به تنگه استراتژیک هرمز بیندازیم در حال حاضر عمده نفت هشت کشور صادر کننده حاشیه خلیج فارس از این آب‌راه راهبردی صادر می‌شود به عنوان مثال بیش از ۸۸ درصد نفت عربستان سعودی، ۹۸ درصد نفت عراق، ۹۹ درصد نفت امارات متحده عربی و ۱۰۰ درصد نفت کشورهای کویت و قطر و در مجموع به طور متوسط ۹۷ درصد نفت این کشورها از تنگه هرمز و تقریباً ۵۰ درصد سایر مبادلات کالای این کشورها نیز از تنگه هرمز عبور می‌کند (میگدل، ۱۳۹۶: ۵۲).

همچنین عمده تدارکات نظامی برای این کشورها نیز از طریق خلیج فارس تأمین می‌شود که هر چند آب‌های غرب عربستان، سواحل یمن و شرق عمان نیز می‌تواند جایگزین بنادر این دریا شود اما هزینه، توان لجستیکی زمینی و مجموع زمان مورد نیاز برای تأمین این تدارکات نیز قابل توجه است و بدیهی است انسداد تنگه هرمز به عنوان

شریان حیاتی دنیا محسوب می‌شود و با توجه به موارد گفته شده که تنها بخشی از مهم‌ترین آثار بسته شدن مسیر تنگه هرمز به روی کشتی‌های عبوری است، در صورت تشخیص ایجاد خطر امنیتی توسط کشتی‌های عبوری، ایران می‌تواند به این شناورها اجازه عبور از آب‌های تنگه هرمز که اغلب جزو آب‌های سرزمینی ایران محسوب می‌شود را ندهد و این کار می‌تواند با کمک نیروهای نظامی ایران انجام شود و در صورت انسداد این تنگه راهبردی بی‌تردید قیمت نفت از مرز ۳۵۰ تا ۴۰۰ دلار خواهد گذشت چراکه دنیا روزانه با کمبود افزون بر بیست میلیون بشکه نفت مواجه خواهد شد.

۶-۳. چگونگی بستن تنگه هرمز

نیروهای مسلح ایران بیش از دو دهه است که با بودجه‌های قابل توجه و حمایت‌های گسترده مسوولان کشور، مدرن‌ترین و متنوع‌ترین سلاح‌های ضدکشتی را تولید و انبار کرده‌اند و اگر تا پیش از این بستن تنگه هرمز صرفاً با نیروهای دریایی و تجهیزات ساحل به دریا مسیر بود و دشمن نیز می‌توانست با غلبه بر نیروی دریایی و ساحلی قضیه را منتفی کند، هم‌اکنون انواع موشک‌های ضدکشتی ایران می‌تواند نه تنها از سواحل که حتی از استان آذربایجان غربی و خراسان شمالی هم به سمت کشتی‌ها در تنگه هرمز شلیک کند علاوه بر این موشک‌های بالستیک، موشک‌های میان برد (مانند قارعه و نصر ۱) قادرند از کنار آب‌های خلیج فارس تا عمق خاک استان کرمان، تنگه را مدام موشک باران کنند همچنین مین‌گذاری تنگه هرمز مخصوصاً با استفاده از قایق‌های تندرو که به تعداد زیاد در اختیار نیروهای مسلح ایران قرار دارند و بسیار هم مدرن و مجهزند می‌تواند تنگه را ببندد؛ نکته این که تمام عرض تنگه هرمز برای کشتی‌های بزرگ و نفت‌کش‌ها قابل عبور نیست و تنها کانالی به عرض حدوداً ۱۰ کیلومتری معبر نفتکش‌ها و کشتی‌های عظیم الجثه است بنابراین بارش مداوم تیر بر یک کانال بسیار کوچک ۱۰ کیلومتری کار سختی نیست.

۷-۳. پس از بستن تنگه هرمز چه می‌شود؟

این سؤال مهم تری از نحوه بستن تنگه هرمز است؛ پس از بستن تنگه هرمز چه اتفاقی می‌افتد و آیا ایران می‌تواند همچنان تنگه را بسته نگه‌دارد؟ به فرض این که ایران اعلام کرد از ساعت یک دقیقه بامداد فردا اجازه عبور کشتی از تنگه را نخواهد داد و عبور کنندگان را موشک باران و غرق خواهد کرد بدون شک بعد از این تهدید، هیچ شرکتی ریسک نخواهد کرد تا کشتی و سرنشینان آن را به خطر بیندازد و از زیر باران موشک و از میان مین‌هایی که هر لحظه ممکن است منفجر شوند عبور دهد.

۱۲۳

اینجاست که اولین کشتی عبوری که ممکن است با دخالت آمریکا و با اسکورت ناوهای آمریکایی صورت بگیرد تعیین‌کننده خواهد بود اگر این کشتی مورد حمله ایران قرار نگیرد و بعد از آن هم روند عبور و مرور طبق روال معمول انجام شود، گیوتین، بی‌آنکه گردنی را بزند فرود افتاده و ایران قضیه را باخته است بنابراین بدیهی است که وقتی ایران "مجبور" به اعلام مسدودی تنگه شده "مجبور" به اعمال مسدودی آن نیز خواهد بود و اولین انفجارها شکل می‌گیرد و قیمت نفت با جهشی بی سابقه مواجه می‌شود (زارعی، ۱۳۹۶: ۲۳۶).

در چنین شرایطی ابر قدرت‌های جهانی نظیر ایالات متحده آمریکا دو راه بیشتر ندارد یا دست روی دست بگذارد و برغم آن همه ادعا و قدرتمندی، تماشاگر تسلط ایران باشد یا آن که وارد معرکه شود تا تنگه را بگشاید و جریان انرژی را به حالت عادی درآورد و طبیعی است که آمریکا نیز مانند ایران نمی‌خواهد از پیش بازنده باشد و بی‌تردید تصمیم به اقدام خواهد گرفت (زارعی، ۱۳۹۶: ۲۳۸).

اما قضیه این است که چه اقدامی؟ اگر بستن تنگه هرمز در همان تنگه و سواحلش بود، شاید می‌شد با یک نبرد دریایی سنگین، نیروهای دریایی و ساحلی ایران را شکست داد و با استقرار تعداد بیشتری از یگان‌های دریایی آمریکایی، امنیت نفت‌کش‌ها را تأمین نمود اما قضیه اینجاست که قدرت نظامی ایران به صورت کلاسیک نیست و کاملاً نامتقارن است و طرف نیروهای دریایی آمریکایی، ناوها و ناوچه‌های متعارف نیستند که با چند موشک بتوان کارشان را ساخت و به زیر آبشان فرستاد بلکه چالش اصلی آن‌ها



حجم انبوه و نامتقارن قایق‌های تندروی جنگی است و مهم‌تر از آن، موشک‌هایی که نه از نقاطی ثابت در ساحل که از نقاط متحرک در همه جای ایران به سمت آن ۱۰ کیلومتر شلیک می‌شوند و عملاً تنگه را ناامن و مسدود می‌نمایند.

اینجا باز هم امریکا بین سه تصمیم قرار می‌گیرد اول کنار آمدن وضعیت پیش آمده است، دوم مذاکره با تهران و دادن امتیازات برای بازگشت به شرایط قبلی و در نهایت از بین بردن عوامل تهدید در تنگه هرمز؛ بدین معنا که ارتش ایالات متحده، جنگ را فراتر از درگیری در دریا و حوزه پیرامونی کشتی‌ها و نفتکش‌ها به عمق خاک ایران ببرد و بکوشد تمام موشک اندازه‌های متحرک ایران را شناسایی و منهدم کند.

بدیهی است که حالت نخست به معنی شکست آشکار آمریکاست و در نتیجه این گزینه قطعاً در دستور کار ایالات متحده قرار نخواهد گرفت می‌ماند دو گزینه بعدی که اجرای هر کدام از آن‌ها بستگی به شرایط وقت دو حریف دارد اگر آمریکا و متحدانش در شرایطی باشند که بدانند در صورت حمله به ایران پیروز میدان هستند در این گزینه تردیدی نخواهند داشت در غیر این صورت رو به مذاکره خواهند آورد زیرا اقتصاد آن‌ها نمی‌تواند برای مدت طولانی با قیمت‌های نجومی انرژی ادامه حیات دهد (محرابی، ۱۳۹۲: ۸۳).

اقدام احتمالی آمریکا برای نابودسازی توان موشکی ایران در عمق خاک ایران، به معنای حمله نظامی به تمامیت ارضی تلقی می‌شود و جنگ تمام عیار نتیجه آن خواهد بود اما مسئله اینجاست که برای آمریکا بعد از دو تجربه ارزشمند افغانستان و عراق، حمله نظامی به کشور سومی در منطقه هرگز در اولویت نیست و نظامیان آمریکا و متحدانشان یک دهه بعد از اشغال افغانستان، هنوز تلفات می‌دهند و حتی کاخ سفید در حال گفت‌وگو با طالبان است، همان طالبانی که برای نابودی‌شان به افغانستان حمله شده بود!

هر چند حمله آمریکا، برای ایران بسیار خسارت بار خواهد بود و حتی می‌تواند بیشتر از خسارات وارده بر آمریکا به ایران صدمه وارد می‌شود چون ما در خاک خود می‌جنگیم و در این باره نمی‌توان شعار درمانی کرد ولی آمریکایی‌ها در تصمیم خود برای حمله به ایران، خسارت‌های وارده به ایران را در نظر نخواهند گرفت بلکه در

مرحله اول آسیب‌هایی که خود متحمل خواهند شد را محاسبه می‌کنند و همین حساب‌گری هوشمندانه غربی است که تاکنون آن‌ها را از حمله نظامی به ایرانی که اساساً قابل مقایسه با عراق و افغانستان نیست، بازداشته است به فرض حمله آمریکا به ایران، یقیناً اوضاع تنگه هرمز، نه تنها بهتر نمی‌شود بلکه آتش افروخته شده در هرمز به کل منطقه نیز سرایت می‌کند و عواقبی به همراه خواهد داشت که هیچ‌کس از گستردگی و طول مدت‌ش خبر ندارد.

بنابراین، حمله فراگیر به ایران نیز برای گشودن هرمز، کار بیهوده و غیرعاقله‌ای خواهد بود در نتیجه اگر قرار باشد حمله‌ای فراگیر به ایران صورت گیرد، تصمیم‌گیری درباره آن، صرفاً جنبه‌های تاکتیکی^۱ برای بازگشایی تنگه نخواهد داشت، بلکه الزاماً تابعی از راهبرد کلی آمریکا در قبال ایران خواهد بود از این رو دغدغه استراتژیک آمریکا می‌تواند این باشد که اقدام ایران به بستن تنگه هرمز، قبل از زمانی باشد که آمریکا و متحدانش مهیای حمله به ایران هستند از این رو آمریکایی‌ها از همین الان تمام تلاش‌های خود را معطوف این کرده‌اند که اساساً نگذارند کار به عملی کردن تهدید ایران در بستن تنگه هرمز برسد زیرا در چنان وضعیتی یا باید وارد جنگ با ایران با آینده نامعلوم برای هر دو طرف شوند و یا مذاکره کنند و امتیاز دهند. (محرابی، ۱۳۹۲: ۸۵)

این بررسی کوچکی از توان نظامی بالای ایران در مواجهه با یک ابرقدرت فرامنطقه‌ای است و کاملاً مشهود است چنین کشوری با توجه به شرایط بسیار خاص نظامی و توان بالای استراتژیکی می‌تواند با داشتن دست بالا و در سطح پنجم اعلام بیطرفی کند به نوعی می‌توان گفت که این اعلام بیطرفی در اصل دست بالای کشور برای تعیین سرنوشت مناقشات منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای است به گونه‌ای که هر لحظه می‌تواند از این موضع خارج و منافع خود اگر مورد تهدید قرار گرفته است را مجدد احیا کند، و ترجیح می‌دهد حداکثر درآمد و سهم‌خواهی را در روابط بین‌المللی داشته باشد البته این در صورتی است که شرایط حاکمیتی و ایدئولوژیک ایران مهیا باشد بالطبع این شرایط و اختلافات بنیادی با ابرقدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بدیهی است گزینه دولت بیطرف برای ایران بسیار دشوارتر از آن چیزی که بیان شد کرده است.

۸-۳. عوامل سیاسی و ایدئولوژیک دولت بیطرف در ایران

ایران از محدود کشورهای جهان است که انقلاب تمام عیاری را پشت سر گذاشته است هرچند بسیاری از اندیشمندان معتقدند که انقلاب ایران انسانی‌ترین انقلاب تاریخ بشریت بوده است اما تغییرات بنیادی و ایدئولوژیک در ایران صورت گرفت و آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی و دینی در قالب یک حکومت کاملاً تئوکراسی در ایران برقرار شد و با توجه به آرمان خواهی دینی که در ایران وجود دارد و گرایش بسیار زیاد حاکمیت به سمت مسائل ایدئولوژیک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داشتن یک دولت بیطرف همه جانبه همچون دسته چهارم غیرممکن و دسته پنجم ممکن اما دشوار است.

آنچه مسلم است در همه انقلاب‌ها شاهد کنار رفتن یک دولت و به ثمر رسیدن یک دولت دیگر براساس ایدئولوژی‌های خاص هستیم و همیشه تئورسین‌هایی که برای هر انقلاب از زمان مبارزه تا هنگام پیروزی طراحی‌های لازم را انجام می‌دهند تا حدودی پیش‌بینی‌های آینده را در مسیر شکل‌گیری و به سرانجام رسیدن انقلاب تا حد متعارف دارند ایران هم از این قاعده مستثناء نبود و حتی با سرعت بسیار بالایی دچار تغییرات بنیادی شد تغییراتی که حتی از نظر آرمانی و مبانی فکری داشتن یک دولت بیطرف در سطوح اول تا چهارم یک امر نسبتاً محال و مخالف همه ارزش‌های انقلابی شمرده می‌شد مسئله‌ای که در قالب سطح پنجم میسر می‌نماید (حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۱۱).

در مرحله اول باید مسائل ناشی از سیستم حاکمیتی ایران که متأثر از مسائل دینی است را از مشکلات داشتن یک دولت بیطرف دانست و با توجه به توضیحاتی که پیش از این داده شد ایران هم مانند دیگر کشورهای دارای حکومت ایدئولوژیک نمی‌توان حاکمیت و دولت را از هم جدا دانست و این دو به گونه‌ای در هم تنیده شدند که بیطرفی دولت به منزله بی‌تفاوتی حاکمیت تلقی می‌شود هرچند که شرایط فعلی ایران هم به گونه‌ای مهم و اثرگذار در منطقه محسوب می‌شود و ایران را با چنین حاکمیت ایدئولوژیک میانه‌رو به‌عنوان یک کشور موفق، مؤثر و قدرتمند منطقه‌ای و حتی جهانی معرفی کرده است و باید با صراحت گفت این میانه‌روی و حق‌طلبی به جای ایران است که در منطقه باعث قدرتمندی ایران و بالطبع اثرپذیری برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از ایران شده است.

در مرحله دوم اثر پذیری و الگو برداری بسیاری از کشورهای اسلامی و منطقه و یا جنبش‌های اسلامی از کشوری نظیر ایران است و کاملاً طبیعی است کشوری مانند ایران برای افزایش اقتدار و دامنه نفوذ خود در منطقه و جهان از هم‌فکران خود در همه جای دنیا حمایت می‌کند و با توجه به مبانی استکبار ستیزی که در جریان حاکمیتی خویش تعریف کرده است دشمنان مشخصی دارد (افضلی، ۱۳۹۵، ۴۰۱).

از این رو استقرار یک دولت بیطرف در کشور ایران با توجه به شرایط انقلابی‌گری که در آن روی داده است و مجموعه حاکمیت و دولت‌های مستقر در ایران اعلام بیطرفی برای این کشور امری دشوار است این درحالی است که ایران با توجه به داشتن قدرت نظامی و اقتصادی هم‌اکنون حرف‌های بسیاری در عرصه سیاست‌خارجه و روابط بین‌الملل برای گفتن دارد و از توان بالایی برای رای‌زنی و سهم‌خواهی در مناقشات جهانی برخوردار است.

نتیجه‌گیری

آنچه مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت شرایط دولت بیطرف و کشورهایی است که با اعلام بیطرفی، خود را از بسیاری از مناقشات و جنگ‌های بین‌المللی دور کرده‌اند با توجه به شرایط دولت بیطرف و موقعیت فعلی کشور ایران در می‌یابیم که بی‌تردید تمام کشورهایی که در طول تاریخ به هر شکل ممکن اعلام بیطرفی کرده‌اند از ضعف‌های آشکار و پنهانی برخوردار بودند که در این مورد جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور قدرتمند منطقه‌ای و از این قاعده مستثناء است از سویی دیگر کشورهای که در مقاطع مختلف در عرصه‌های گوناگون اعلام بیطرفی کردند هیچ‌کدام از یک حکومت ایدئولوژیک و دینی برخوردار نبودند چراکه ارتباط حاکمیت و دولت‌ها از یک سو و محورهای دینی و انقلابی از سویی دیگر مانع از شکل‌گیری یک دولت بیطرف در ایران می‌شود همچنین قرارگرفتن ایران در منطقه بسیار مهم جغرافیایی و سیاسی جهان باعث شده است قدرت ایران ناخواسته به شدت افزایش چشم‌گیری داشته باشد قدرتی که مواجه شدن با آن می‌تواند منجر به از بین رفتن اقتصاد جهانی و حتی ورشکستگی اقتصادی ابرقدرت‌های فرا منطقه‌ای شود.

با صراحت می‌توان در پاسخ به امکان شکل‌گیری دولت بیطرف در ایران گفت با در نظر گرفتن مولفه‌های اصلی دولت‌های بیطرف در جهان درمی‌یابیم که کشورمان ایران تنها در برخی موارد می‌تواند با صراحت اعلام بیطرفی نماید اما به علت تأمین منافع حداکثری، حاکمیت تئوکراسی و حفظ قدرت منطقه‌ای خود نمی‌تواند به صورت کامل اعلام بیطرفی کند و با توجه به این مسئله که در مولفه‌ها و دسته‌بندی‌های بیطرفی منافع چندانی عاید ایران نمی‌شود بدیهی است که برای دستیابی به منافع و سود حداکثری، امکان پیدایش دولت بیطرف در ایران با در نظر گرفتن شرایط فعلی به راحتی ممکن نباشد.

منابع

- اشرف، احمد، ترابی، سهیلا. (۱۳۹۳). *دولت و انقلاب در ایران*، نوبت سوم، تهران: نشر نیلوفر.
- امیر خسروی، بابک. (۱۳۹۷). *دولت در ایران*، نوبت اول، تهران: نشر اختران.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۱). *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، چاپ اول، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افضلی، رسول. (۱۳۹۵). *دولت مدرن در ایران*، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه مفید.
- بالوی، مهدی. (۱۳۹۶). *دولت حق بنیاد*، چاپ اول تهران: نشر مجد.
- بخشیان، رضا. (۱۳۸۷). «مرز فرهنگ و امنیت در ایران امروز»، *فرهنگ اندیشه*، دوره چهارم، شماره ۱۵، صفحه ۴۸.
- بروک، لوتار. (۱۳۹۶). *دولت‌های شکننده*، رشیدی، احمد، چاپ اول، تهران: نشر امیرکبیر.
- بوردیو، پیر. (۱۳۹۷). *درباره دولت، قرایی، سروش*، چاپ اول، تهران: نشر مولی.
- بهرز، ذبیح‌الله. (۱۳۸۴). «امنیت زبان، امنیت کشور است»، *نامه پارسی*، دوره دوم، شماره ۳۶، صفحه ۱۳۶.
- توحیدفام، محمد. (۱۳۹۵). *دولت و دموکراسی*، چاپ دوم، تهران: نشر روزنه.

چامسکی، نوام. (۱۳۹۳). *دولت‌های فرومانده*، پدram نیا، اکرم، چاپ سوم، تهران: نشر افق.

حاجیانی، فاضلی. (۱۳۹۰). *نظریه‌ها و مکاتب روش شناختی در مطالعات امنیتی*، چاپ اول، تهران: نشر یزدا.

حق شناس، محمدجواد. (۱۳۹۳). *دولت در عصر جهانی شدن*، چاپ اول، تهران: نشر پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

دلفروز، محمد تقی. (۱۳۹۷). *دولت و توسعه اقتصادی در ایران*، چاپ اول، تهران: نشر آگاه.

روشندل، جلیل، ازغندی، علیرضا. (۱۳۹۴). *مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*، چاپ شانزدهم، تهران: نشر سمت.

زارعی، امیرحسین. (۱۳۹۶). *قهرمانان شکست*، چاپ اول، یزد: بکراندیشان. زنگنه، حمید. (۱۳۹۰). «فرهنگ و امنیت: چند جنبه‌گرایی، مهار کردن تسلیحات و

امنیت سازی»، *فرهنگ دیپلماسی*، زمستان ۱۳۸۰ و بهار، شماره ۲، صفحه ۷۴. سرمست، بهرام. (۱۳۸۸). «بازیگران، جنگ‌افزارها و سرچشمه‌های تهدیدات امنیت

بین‌المللی»، *فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج*، پاییز ۱۳۸۸ شماره ۸. طاهایی، سید جواد. (۱۳۸۶). *اندیشه دولت‌مدرن*، چاپ اول، تهران: نشر عروج.

عسگریان، حسین. (۱۳۸۷). *سیاست‌ها و اقدامات آمریکا در قبال ایران*، چاپ دوم، تهران: نشر موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۸۲). «جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی»، *اندیشه انقلاب اسلامی*، تابستان شماره ۶، صفحه ۱۸۷.

قامت، جعفر. (۱۳۹۴). *منافع ملی و امنیت ملی*، چاپ اول، تهران: نشر قومس. قریب، حسین. (۱۳۹۶). *دولت عقلانی*، چاپ دوم، تهران: نشر پژوهش‌گاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی.

قریشی، سید یوسف. (۱۳۹۵). *امنیتی شدن و سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گرامشی، آنتونی. (۱۳۹۶). *دولت و جامعه مدنی*، میلانی، عباس، چاپ چهارم، تهران: نشر اختران.

گوگلر، ریچارد آل. (۱۳۹۴). *جهت‌گیری‌های نوین در راهبرد امنیت ملی، طرح‌های دفاعی و سیاست ایالات متحده*، اسماعیلی، فرزاد، فرج پور علمداری، عباس، اسدی، شمسعلی، چاپ اول، تهران: نشر قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) آجا.

محرابی، علیرضا، صفوی، سید یحیی، مهدیان، حسین. (۱۳۹۲). «بررسی جایگاه ژئوپلیتیک انرژی در تأمین امنیت ملی ایران از منظر سه رویکرد امنیتی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، دوره اول، شماره ۲۹، صفحه ۸۳.

محلّاتی، سروش. (۱۳۹۶). *دولت و اجرای شریعت*، چاپ سوم، تهران: نشرنی. میرسندهی، محمد. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی تاریخ امنیت در ایران*، چاپ اول، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

متفکر، حسین. (۱۳۸۶). «استراتژی‌های ژئوپلیتیکی آمریکا و امنیت ملی ایران»، *فصل نامه سیاست*، دوره ۳۷، شماره ۳، صفحه ۱۱۲.

میگدل، جوئل. (۱۳۹۶). *دولت در جامعه*، دلفروز، محمد تقی، چاپ دوم، تهران: نشر کویر.

وینسنت، اندرو. (۱۳۹۲). *نظریه‌های دولت*، بشیریه، حسین، چاپ نهم، تهران: نشر نی. یزدفام، محمد. (۱۳۹۰). *دولت‌های شکننده و امنیت انسانی*، چاپ اول، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Ashraf, ahmad, torabi. Soheila. (2015). *Government and Revolution in Iran, Third turn*, Tehran, Niloufar publication

Amir Khosravi, Babak. (2019). *Government in Iran, first turn*, Tehran, Akhtaran Publishing

Eftekhari, Asghar. (2010). *Fundamental Thoughts in National Security Studies*, First Edition, Tehran, Publication of Strategic Studies Research Institute

Afzali, Rasoul. (2017). *Modern Government in Iran*, First Edition, Tehran, Publishing of the University of Mofid

Balvi, Mahdi. (2018). *Government of the Right to Foundation*, Tehran First Printing, Majd

- Bakhshiyani, Reza. (2008). The Border of Culture and Security in Iran Today, *Andisheh Culture*, Vol. 4, No. 15, Page 48
- Brooke, Lothar. (2018). *Fragile States*, Rashidi, Ahmad, First Edition, Tehran, Amir Kabir Publishing
- Bourdieu, Pierre. (2019). *About Government*, Gharayi, Soroush, Tehran First Printing, Molavi Publishing
- Behrooz, Zabihollah. (2005). Language Security, Security of the Country, *Parsian Journal*, Vol. 2, No. 36, Page 136
- Tohid Fahm, Mohammed. (2017). *Government and Democracy*, Second Edition, Tehran, Nasr-e Rooz
- Chomsky, Noam. (2015). *Conquering Governments*, Pedram Nia, Akram, Third Edition, Tehran, Publishing Horac
- Hajiani, Fazeli. (2011). *Methodological Theories and Schools in Security Studies*, First Edition, Tehran, Yazd Publishing
- Haghshenas, Mohammad Javad. (2015). *Government in the era of globalization*, first edition, Tehran, publication of the Research Center for Islamic Culture and Thought
- Delphrouz, Mohammad Taghi. (2019). *Government and Economic Development in Iran*, First Edition, Tehran, Publishing House
- Roshanandel, Jalil, Azghandi, Alireza. (2016). *Contemporary Military and Strategic Issues*, Sixth Edition, Tehran, Publishing
- Zarei, Amir Hossein. (2018). *Heroes of Defeat*, First Edition, Yazd, Bakedian
- Zanganeh, Hamid. (2011). Culture and Security: Multilateralism, Arming and Security, *Diplomacy Culture*, Winter 2001, Spring, No. 2, Page 74
- Saramst, Bahram. (2009). Actors, Weapons and Sources of International Security Threats, Political Science, *Karaj Azad University*, Fall 2009 No. 8
- Taagei, Seyyed Javad. (2007). *Thought of Government*, First Printing, Tehran, Publishing
- Askarian, Hussein. (2008). *US policies and actions toward Iran*, second edition, Tehran, publication of the International Institute for Cultural Studies and Research, Contemporary Abrar
- Eyvazi, Mohammad Rahim. (2003). Globalization and its Impact on the National Security of the Islamic Republic, *The Thought of the Islamic Revolution*, Summer 6, p. 187
- Ghamat, Jafar. (2016). *National Interest and National Security*, First Printing, Tehran, Gomes Publishing
- Qarib, Hussein. (2018). *rational government*, second edition, Tehran, publication of the Institute of Humanities and Cultural Studies

- Qureishi, Seyed Yousef. (2017). *Security and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*, First Edition, Tehran, Strategic Studies Institute
- Gramsci, Anthony. (2018). *Government and Civil Society*, Milani, Abbas, Fourth Edition, Tehran, Akhtaran Publishing
- Gaugler, Richard L. (2015). *orientation of new national security strategy, plans and defense policy of the United States*, Ismael, F, Farajpour Alamdari, Abbas Asadi, Sh, First Edition, Tehran, publishing Anbiya Air Defense Base Khatamol anbia (s)
- Mahrabi, Alireza, Safavi, Seyyed Yahya, Mehdiyan, Hossein. (2013). Geopolitics of Energy Position in Iran's National Security, From the Perspective of Three Security Approaches, *Geopolitical Quarterly*, Volume 1, Issue 29, Page 83
- Mahallati, Soroush. (2019). *Government and Sharia*, Third Edition, Tehran, Nasrin
- Mirsendsi, Mohammad. (2012). *Sociology of Security History in Iran*, First Edition, Tehran, Publishing of the Institute of Humanities and Cultural Studies
- Motefaker, Hussein. (2007). American Geopolitical Strategies and Iran's National Security, *Policy Quarterly Journal*, Volume 37, Number 3, Page 112
- Meigold, Joel. (2018). *Government in Society*, Dolphrooz, Mohammad Taghi, Second Edition, Tehran, Desert Publishing
- Vincent, Andrew. (2015). *Theories of the Government*, Bashirieh, Hossein, Ninth Edition, Tehran, Nayan Rey
- Yazdfam, Mohammad. (2011). *fragile states and human security*, First edition, Tehran, publication of Strategic Studies Research Institute